

نرگس در گرگان زندگی می‌کند .

مادر بزرگ او یک گاو زیبا و یک سگ

دارد . گرگ از ترس این سگ به گاو

نزدیک نمی‌شود . آن گاو برگ انگور را

دوست ندارد . نرگس با شیر گاو ،

ماست و پنیر درست می‌کند .

امروز برادر نرگس بیمار بود . او به آموزگار

زنگ زد که برادرم به مدرسه نمی‌آید .